



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۱ - تفسیر بخش‌های مختلف آیه - بخش پنجم: «ذلک بانهم کانوا یکفرون...» -

تاریخ: ۱۹ آبان ۱۴۰۴

مصادف با: ۱۹ جمادی الاول ۱۴۴۷

جلسه: ۱۳

مطلب ششم - مطلب هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مطلب ششم

تا اینجا درباره آیه ۶۱ پنج مطلب را ذکر کردیم؛ دو مطلب دیگر در مورد بخش اخیر آیه باقی مانده که باید این دو مطلب را ذکر کنیم و ان شاء الله از این آیه فارغ شویم و به سراغ آیه ۶۲ برویم.

مطلب ششم در مورد استمرار قتل و کشتن انبیا است. آیه این است: «ذلک بانهم کانوا یکفرون»؛ اینکه «کانوا» بر سر «یکفرون» آمده، دلالت بر استمرار کفر دارد. وقتی «کان» بر سر یک فعل قرار می‌گیرد، دلالت بر استمرار دارد. «یقتلون» هم عطف بر «یکفرون» است؛ لذا «کانوا» بر سر «یقتلون» هم داخل می‌شود. یعنی گویا می‌فرماید: و کانوا یقتلون النبیین بغیر الحق. مسئله این است که استمرار کفر دارد؛ بنی اسرائیل کافر بودند و در این کفر هم استمرار داشتند و کفر آنها مستمر بود؛ چون یک امر اعتقادی بود و این اعتقاد آنها پابرجا بود. اما استمرار در قتل و کشتن انبیا چگونه معنا می‌شود؟ آیا پیامبرکشی یک سنت در میان بنی اسرائیل بود یا اینکه مثلاً یک یا دو بار این اتفاق افتاده بود؟ با توجه به مجازات‌های سنگینی که برای بنی اسرائیل ذکر شده، ظاهر آیه این است که علاوه بر استمرار در کفر، استمرار در قتل انبیا داشتند. یعنی گویا پیامبرکشی برای بنی اسرائیل تبدیل به یک سنت شده بود؛ چند نمونه را هم در قرآن شاهد هستیم. این هم فقط مربوط به مردم زمان موسی نیست بلکه این کار آنها بعد از حضرت موسی هم ادامه پیدا کرد تا زمان پیامبر خاتم(ص). خداوند تبارک و تعالی در این آیه در واقع به این نکته اشاره و می‌خواهد متنبه به این نکته کند که یهود زمان پیامبر(ص) هم اگر قدرت داشتند، نسبت به قتل پیامبر(ص) اقدام می‌کردند. ما این مسئله را در اعقاب آنها هم می‌بینیم؛ کأن کشت و کشتار برای این جماعت یک سنت است؛ کشتن رهبران و بزرگان هم همینطور. لذا آیه به یک مسئله مهم اشاره می‌کند که اساساً این به ضمیمه کفر مستمر، موجب عذاب و عقاب شدید گردید. خداوند در آیه ۹۱ سوره بقره می‌فرماید: «قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِیَاءَ اللَّهِ»، چرا پیامبران را می‌کشیدید؟ قبل از این، خداوند می‌فرماید: وقتی که به آنها گفته می‌شود که به سخن و کلام خدا ایمان بیاورید، پاسخ می‌دهند که ما به چیزی ایمان می‌آوریم که به خودمان نازل شود؛ اگر به ما نازل نشود، ما نسبت به آن کافر هستیم. بعد در ادامه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: اگر راست می‌گویید و به آن آیاتی که بر خودتان نازل شده ایمان دارید، پس چرا انبیا خدا را می‌کشید؟ این نشان می‌دهد که کشتن انبیا برای بنی اسرائیل تبدیل به یک سنت و ملکه شده بود؛ آنها به این کار عادت کرده بودند. کأن خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید همین سؤال و پرسش را از یهودیان معاصر خودت بپرس. «قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِیَاءَ اللَّهِ»، خطاب به پیامبر(ص) است که به یهودیان زمان خودت بگو؛ پیامبر(ص) اینها را مورد خطاب قرار می‌دهد، در حالی که اینها انبیا خدا را

نکشته بودند؛ اما می‌خواهد هشدار بدهد که پدران شما اقدام به این کار کردند و کآن می‌خواهد بفرماید خود شما هم اگر قدرت داشته باشید، این کار را می‌کنید؛ و الا به قول عوام نمی‌خواهد قصاص قبل از جنایت کند. می‌خواهد بفرماید شما قومی لجوج و عنود و اهل کینه هستید و علی‌رغم علم و اطلاع، اهل انکار هستید؛ به همین جهت آنها را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد.

اگر ما قتل را در کنار کفر به ضمیمه استمرار در نظر بگیریم، این حد اعلاى دشمنی با خداست. کفر به خدا، به باور و اعتقاد برمی‌گردد و جنبه عملی ندارد؛ کسی که کافر به خداوند باشد، یعنی از نظر ذهنی و اعتقادی خدا را قبول ندارد، یا رأساً انکار می‌کند یا برای او شریک قائل است. استمرار بر کفر، یعنی آنها دست از این اعتقاد خودشان برنمی‌دارند و اعتقاد آنها پابرجا است؛ به ضمیمه قتل انبیا که بارزترین و آشکارترین تجلی کفر است. ممکن است خیلی‌ها کافر باشند و در مقابل خداوند تبارک و تعالی دست به کارهایی بزنند، اما اگر اقدام به قتل انبیا کنند، این بالاترین مرتبه کفر در مقام عمل است. لذا وقتی کفر مستمر اعتقادی با کفر مستمر عملی تجمع می‌شود آنگاه می‌بینیم همه عذاب‌هایی که خداوند نسبت به آنها روا داشته، به جا بوده و بلکه حتی بیش از این هم استحقاق داشته‌اند.

مطلب هفتم

آخرین مطلب در مورد این آیه، این است که طبق روایتی از امام صادق (ع)، قتل انبیا لزوماً به صورت مستقیم و با شمشیر و خون‌ریزی نبوده، بلکه گاهی غیرمستقیم و به عنوان سبب بوده است. اتفاقاً این روایت به فهم بهتر استمرار قتل انبیا هم کمک می‌کند؛ بالاخره وقتی ما می‌گوییم آنها نسبت به قتل انبیا استمرار داشتند و این برای آنها ملکه شده بود، فهم آن کمی مشکل می‌شود. چطور آدم انبیا را بکشد و خون‌ریزی به راه بیندازند ... اما مطلب هفتم فهم آن معنا را برای ما آسان‌تر می‌کند. در روایتی که در تفسیر صافی نقل شده، امام صادق (ع) بعد از تلاوت آیه ۶۱ سوره بقره، فرمود: «وَاللّٰهُ مَا ضَرَبُوهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَلَا قَتَلُوهُمْ بِأَسْيَافِهِمْ وَلَكِنْ سَمِعُوا أَحَادِيثَهُمْ فَأَذَاعُوهَا فَأَخَذُوا عَلَيْهَا فَقَتَلُوا فَصَارَ ذَلِكَ قَتْلًا وَاعْتِدَاءً وَمَعْصِيَةً»؛ به خدا قسم آنها انبیا را با دست‌های خودشان نزدند و با شمشیرهای خودشان نکشتند؛ بلکه احادیث و اخبار آنها را شنیدند، اما اذاعه و افشا کردند و آنگاه دشمنان و سلاطین، این مطالبی را که آنها پخش می‌کردند را علیه انبیا گرفته و آنها را کشتند. بنابراین، این کار آنها یعنی اعتداء و معصیت منجر به قتل شد؛ یعنی واسطه قتل انبیا، اعتداء و معصیت بود؛ اعتداء به معنای تجاوز و تعدی و دشمنی؛ معصیت هم همان افشار اسرار و مطالبی بود که نباید آنها منتشر می‌کردند. لذا قتل انبیا به وسیله افشای اسرار و معرفی و لو دادن و کمک اطلاعاتی به دشمنان انبیا صورت گرفته است.

به همین جهت من عرض کردم با توجه به این معنا ما مطلب قبلی را هم بهتر می‌توانیم درک کنیم؛ هرچند آنها تعدادی از انبیا را به قتل رساندند، چنانچه هارون برادر حضرت موسی می‌فرماید: «وَكَأَدُّوا يَقْتُلُونَنِي»^۱، نزدیک بود من را بکشند؛ یا حتی برخی را با ضرب دست و شمشیر به قتل رساندند، اما آنچه که به عنوان ملکه برای آنها ذکر شده و عمل مستمر آنها بوده و به عنوان یک سنت در میان آنها مطرح شده، همان کمک به دشمنان، افشاء اسرار و انتشار سخنانی است که نباید منتشر می‌کردند. بالاخره انبیا دعوت به توحید و خداپرستی می‌کردند، دعوت به عدم کرنش در برابر خدایان و انسان‌های دیگر می‌کردند. این

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۰.

در شرایطی نباید انتشار پیدا می‌کردند؛ در حالی که بنی‌اسرائیل این مطالب را منتشر می‌کردند و موجب قتل انبیا می‌شدند. یعنی خون انبیا به وسیله سلاطین ریخته می‌شد، اما سبب آن بنی‌اسرائیل بودند. واقعاً برای آنها سنت شده بود که این چنین دست به قتل انبیا می‌زدند. بنابراین گاهی قتل انبیا سبباً بود و گاهی مباشرتاً؛ گاهی مباشر بودند و گاهی خودشان سبب قتل انبیا را فراهم می‌کردند.

مطالب دیگری هم در اینجا ذکر شده است؛ مثلاً اینکه چرا در بعضی از آیات کلمه «بغیر حق» آمده و در برخی دیگر «بغیر الحق» آمده است؛ حالا این را می‌توانید به برخی از تفاسیر مراجعه کنید. در آیه ۶۱ دارد: «وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ»، اما در آیه ۲۱ سوره آل عمران دارد: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ». اتفاقاً در خود سوره بقره، در آیه دیگری اینطور آمده: «وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ». وجوهی برای این تفاوت ذکر کرده‌اند که در بحث ما چندان اهمیتی ندارد و اگر خواستید می‌توانید مراجعه کنید.

بحث جلسه آینده

بحث از آیه ۶۱ تمام شد؛ ان‌شاءالله در جلسه آینده آیه ۶۲ را شروع خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»